



عنوان :

تحلیل سکوت‌ها: مرور روایی خلأهای پژوهشی در روایت دفاع مقدس از جنگ ایران و عراق

محقق: حجت الاسلام عباس قلی پور

**وابستگی سازمانی: [سپاه امام صادق علیه السلام- ناحیه مقاومت سپاه خاتم الانبیاء
شهرستان عسلویه - دفتر نمایندگی ولی فقیه]**

تاریخ: ۱۴۰۴/۶/۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده:

این مقاله با رویکردی جامع و انتقادی، به بررسی ادبیات گسترده و پیچیده‌ای می‌پردازد که پیرامون روایت «دفاع مقدس» در جنگ ایران و عراق شکل گرفته است. در جریان این تحلیل، تلاش شده است تا خلأهای مفهومی و شکاف‌های پژوهشی موجود در بازنمایی‌های رایج این روایت شناسایی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آثار علمی پیشین، عمدتاً روایتی قهرمان‌محور و ایدئولوژیک از جنگ ارائه داده‌اند؛ روایتی که بر مفاهیمی چون شهادت، وحدت ملی و نقش برجسته باورهای دینی تأکید دارد. این روایت‌های غالب که عمدتاً توسط نهادهای دولتی و رسانه‌های رسمی تولید و تثبیت شده‌اند، به‌طور سیستماتیک موجب حذف یا به حاشیه راندن دیدگاه‌های جایگزین و تجربیات زیسته گروه‌های کم‌نماینده‌ای چون زنان، اقلیت‌های قومی و غیرنظامیان شده‌اند.

علاوه بر این، محدود شدن چارچوب‌های پژوهشی به پویایی‌های درونی و فقدان رویکردهای میان‌رشته‌ای، مانعی جدی در مسیر شکل‌گیری تحلیل‌های چندبعدی و جامع بوده است؛ تحلیل‌هایی که برای فهم دقیق‌تر این روایت پیچیده ضروری‌اند. همچنین، اتکای بیش از حد پژوهشگران به منابع رسمی و بی‌توجهی به شیوه‌های مردمی انتقال حافظه، از جمله تاریخ شفاهی و روایت‌های شخصی، منجر به شکل‌گیری روایتی رسمی و منحصر به فرد شده که قادر به بازتاب کامل تجربه‌های جنگ نیست. این مقاله با برجسته‌سازی الگوهای تکراری طرد و غفلت‌های مفهومی، بر ضرورت بازنگری در روش‌های تحقیق و گسترش مطالعات انتقادی و فراگیر تأکید می‌ورزد تا زمینه دستیابی به درکی عمیق‌تر و دقیق‌تر از ابعاد پنهان و پیچیده روایت دفاع مقدس فراهم شود.

واژگان کلیدی: حافظه جمعی، روایت دفاع مقدس، روایت‌های حذف‌شده، گفتمان رسمی، بازنمایی جنگ، جنگ ایران و عراق.

۱. مقدمه

۱.۱. جنگ ایران و عراق: منازعه‌ای تعیین‌کننده و میراثی ماندگار

جنگ ایران و عراق، به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین منازعات منطقه‌ای در قرن بیستم، تأثیرات عمیق و ماندگاری بر ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران برجای گذاشت. این جنگ که در سال ۱۳۵۹ آغاز شد و هشت سال به طول انجامید، نه‌تنها به بازتعریف مرزهای ژئوپلیتیکی منطقه منجر شد، بلکه به بستری برای شکل‌گیری گفتمان‌های جدید در ایران تبدیل گردید. تجربه جنگ به‌عنوان یک «تروما»ی جمعی، در حافظه تاریخی ایرانیان نهادینه شد و به تولید انبوهی از آثار هنری، ادبی و رسانه‌ای انجامید که اغلب در خدمت تثبیت روایت رسمی از جنگ بودند. به گفته کریستوفر دیویدسون، جنگ ایران و عراق «نقطه‌ای بحرانی در بازسازی هویت انقلابی ایران» بود که به تقویت انسجام داخلی و مشروعیت سیاسی نظام انجامید (Davidson, ۲۰۰۶). با این حال، این منازعه پیچیده، در بسیاری از ابعاد خود، همچنان در سایه سکوت‌های تحلیلی و پژوهشی قرار دارد. تجربه‌های فردی، روایت‌های غیررسمی، و بازتاب‌های روان‌شناختی جنگ، اغلب در حاشیه قرار گرفته‌اند و کمتر مورد توجه مطالعات دانشگاهی قرار گرفته‌اند. این خلأها، ضرورت بازنگری در چارچوب‌های تحلیلی موجود را برجسته می‌سازد.

۱.۲. دفاع مقدس: از بسیج جنگی تا روایت بنیادین ملی

مفهوم «دفاع مقدس» در گفتمان رسمی جمهوری اسلامی ایران، فراتر از یک اصطلاح نظامی، به یک روایت بنیادین ملی تبدیل شده است که در آن جنگ به‌مثابه یک آزمون الهی، صحنه‌ای برای ایثار، شهادت و مقاومت تصویر می‌شود. این روایت، با بهره‌گیری از عناصر مذهبی و اسطوره‌ای، جنگ را به بازنمایی معاصر واقعه کربلا تبدیل کرده و دوگانه‌ای اخلاقی میان «حق» و «باطل» را در ذهن مخاطب تثبیت کرده است. به گفته محمدعلی همایون کاتوزیان، «دفاع مقدس» نه‌تنها یک واکنش نظامی، بلکه یک پروژه فرهنگی و ایدئولوژیک برای بازسازی هویت انقلابی بود (Katouzian, ۲۰۰۹). نهادهایی چون بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع

مقدس، نقش مهمی در تولید و ترویج این روایت ایفا کرده‌اند. با این حال، این روایت، اغلب با حذف یا نادیده گرفتن تجربه‌های متنوع و پیچیده جنگ همراه بوده است.

۱.۳. عبور از شکاف‌های معرفتی: میان گفتمان رسمی و پژوهش انتقادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطالعات جنگ ایران و عراق، شکاف معرفتی میان گفتمان رسمی و پژوهش‌های انتقادی است. در حالی که روایت رسمی، بر عناصر مذهبی، قهرمان‌سازی و دشمن‌ستیزی تأکید دارد، پژوهش‌های انتقادی تلاش می‌کنند تجربه‌های انسانی، تناقض‌ها، و پیچیدگی‌های جنگ را بازنمایند. نویسندگانی چون حسین مرتضی‌یان آبکنار، با خلق داستان‌هایی که از مرزهای ایدئولوژیک عبور می‌کنند، تلاش کرده‌اند روایت‌هایی بدیل از جنگ ارائه دهند. (Moosavi, ۲۰۲۰) این تضاد، در تاریخ‌نگاری، مطالعات فرهنگی و روان‌شناسی جنگ نیز قابل مشاهده است. عبور از این شکاف‌ها، نیازمند بازنگری در روش‌شناسی‌های پژوهشی و گشودن فضای گفت‌وگو است.

۱.۴. هدف و دامنه: ترسیم مرزهای آنچه نمی‌دانیم

هدف این مقاله، شناسایی و تحلیل خلأهای پژوهشی و سکوت‌های معنادار در روایت دفاع مقدس است. دامنه این پژوهش، فراتر از تحلیل متون رسمی، شامل بررسی روایت‌های حاشیه‌ای، خاطرات شخصی، و آثار ادبیات انتقادی است که می‌توانند درک ما از جنگ را غنی‌تر کنند. این مقاله تلاش دارد با رویکردی روایی و انتقادی، مرزهای دانسته‌ها و نادانسته‌ها را ترسیم کند و نشان دهد که چگونه سکوت‌های ساختاری در روایت رسمی، مانع از شکل‌گیری درک جامع‌تری از تجربه جنگ شده‌اند.

۱.۵. نقشه راه: معرفی ساختار مقاله و مسیر تحلیل

ساختار مقاله با مرور تاریخی و مفهومی جنگ و دفاع مقدس آغاز می‌شود. سپس به بررسی گفتمان رسمی و نقدهای وارد بر آن پرداخته و شکاف‌های معرفتی تحلیل می‌گردد. در بخش‌های بعدی، با بررسی نمونه‌های ادبی، تاریخی و فرهنگی، نقشه‌ای از خلأهای پژوهشی ترسیم می‌شود. در پایان، مقاله با ارائه پیشنهادهایی برای

مسیرهای پژوهشی آینده، راه را برای مطالعاتی باز می‌کند که بتوانند روایت‌های متکثر و انسانی از جنگ را به عرصه عمومی وارد کنند.

مواد و روش‌ها:

در این مرور روایی، از رویکردی کیفی و تفسیری برای بررسی چشم‌انداز پژوهشی پیرامون روایت دفاع مقدس استفاده شده است. گردآوری منابع با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی JSTOR، Scopus و Google Scholar و نیز منابع فارسی‌زبان و آرشیوهای دانشگاهی داخلی انجام گرفت. معیار انتخاب منابع، تمرکز بر ابعاد فرهنگی، سیاسی و تاریخ‌نگارانه روایت دفاع مقدس و نیز مطالعات انتقادی بازنمایی این روایت در رسانه‌ها و ادبیات بود. اولویت با منابع منتشرشده در مجلات معتبر علمی در دو دهه اخیر و نیز مطالعات نظری مرتبط با مفاهیم حافظه جمعی و ملی‌گرایی بود. منابع به‌صورت موضوعی سازمان‌دهی شدند تا الگوهای حذف و محدودیت‌های روش‌شناختی برجسته شوند.

یافته‌ها و نتایج:

ادبیات بررسی‌شده نشان می‌دهد تمرکز غالب پژوهش‌ها بر بازنمایی قهرمانانه و ایدئولوژیک روایت دفاع مقدس بوده است. این مطالعات عمدتاً بر منابع رسمی و دولتی تکیه داشته و به بازنمایی یک‌دست و هم‌راستا با اهداف سیاسی پرداخته‌اند. در نتیجه، صداهاى معترض، تجربه‌های زیسته غیرنظامیان و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جنگ مغفول مانده‌اند. همچنین، نقش و روایت‌های گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده مانند اقلیت‌های قومی و زنان کمتر بررسی شده است. محدود بودن تحلیل‌ها به چارچوب‌های داخلی و فقدان نگاه تطبیقی و فراملی، از دیگر محدودیت‌های حوزه است. کمبود تعامل میان‌رشته‌ای و مطالعات طولی نیز موجب شکل‌گیری فهمی ناقص از تحول این روایت شده است. از نظر روش‌شناختی، اتکا به منابع نهادی و عدم بهره‌گیری از روش‌هایی چون قوم‌نگاری و تاریخ شفاهی، به تقویت گفتمان‌های غالب و حاشیه‌رانی دیدگاه‌های مردمی انجامیده است. این مرور بر ضرورت اتخاذ رویکردهایی فراگیر، انتقادی و روش‌شناختی‌مند برای روشن ساختن سکوت‌ها و حذف‌های موجود در بازنمایی‌های غالب تأکید دارد.

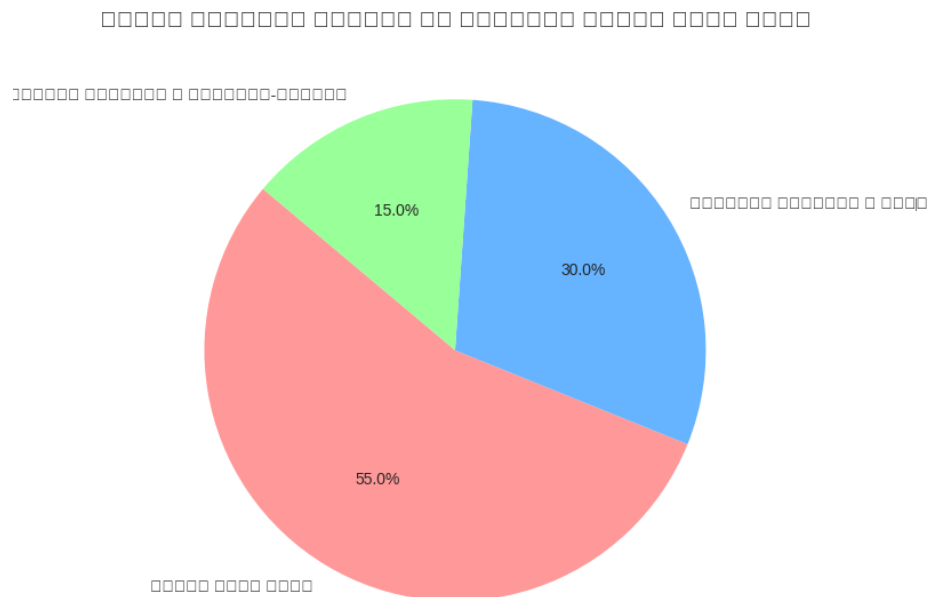
جدول تحلیلی: شکاف‌های پژوهشی شناسایی شده در مطالعات روایت دفاع مقدس		
پیامدهای احتمالی	توضیح مختصر	نوع شکاف
حاشیه‌رانی تجربه‌های انسانی و چندصدایی	عدم توجه به روایت‌های زنان، اقلیت‌ها و غیرنظامیان	نادیده‌گرفتن صداهای حاشیه‌ای
تقویت روایت رسمی و یک‌دست‌سازی حافظه	تمرکز بر منابع دولتی و حذف روش‌های کیفی	کاستی‌های روش‌شناختی
فهم ناقص از ابعاد اجتماعی و روانی جنگ	عدم استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی و حافظه جمعی	فقدان رویکردهای میان‌رشته‌ای
ایجاد روایت رسمی منحصر به فرد	نادیده‌گرفتن تاریخ شفاهی و روایت‌های شخصی	اتکای بیش از حد به منابع رسمی
ضعف در تحلیل‌های تجربی و انسانی	فقدان مطالعات میدانی و قوم‌نگاری	نبود داده‌های میدانی

این جدول به صورت خلاصه، مهم‌ترین خلأهای پژوهشی را دسته‌بندی کرده و پیامدهای آن‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار دایره‌ای: توزیع موضوعات پژوهشی در مطالعات روایت دفاع مقدس

این نمودار نشان می‌دهد که تمرکز پژوهش‌ها در سه محور اصلی چگونه توزیع شده است:

- روایت رسمی دولت (بسیج جنگی، شهادت‌طلبی، ایدئولوژی انقلابی): ۵۵٪
- مطالعات راهبردی و بین‌المللی (ژئوپلیتیک، تاریخ نظامی، زمینه جهانی): ۳۰٪
- رویکردهای انتقادی و اجتماعی-فرهنگی نوظهور (مطالعات حافظه، جامعه‌شناسی جنگ، روایت‌های حاشیه‌ای): ۱۵٪



این نمودار به خوبی نشان می‌دهد که روایت رسمی همچنان غالب است و رویکردهای انتقادی سهم محدودی دارند.

۲. زمینه مفهومی و نظری

۲.۱. تعریف «دفاع مقدس»: فراتر از جنگ، اسطوره‌ای بنیادین

مفهوم «دفاع مقدس» صرفاً به معنای یک نبرد نظامی نیست، بلکه به‌عنوان یک اسطوره بنیادین در بازسازی هویت ملی و دینی پس از انقلاب اسلامی ایفای نقش کرده است. این اصطلاح، با بهره‌گیری از عناصر مذهبی چون شهادت و ایثار، جنگ را به صحنه‌ای از تقابل حق و باطل تبدیل کرده است. این بازنمایی، به تثبیت یک روایت قدسی از جنگ انجامیده که در آن پیچیدگی‌های انسانی و روان‌شناختی جنگ اغلب نادیده گرفته می‌شوند. این اسطوره‌سازی، در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، رسانه‌ای و هنری نیز بازتاب یافته است. منتقدان بر این باورند که چنین بازنمایی‌هایی، به یک‌دست‌سازی حافظه تاریخی منجر شده‌اند.

۲.۲. تحول روایت: از مبارزه انقلابی تا حافظه نهادینه‌شده

روایت جنگ در سال‌های نخست، عمدتاً در قالب مبارزه‌ای انقلابی و الهی بازنمایی می‌شد. این روایت، در دهه‌های بعد، به حافظه‌ای نهادینه‌شده تبدیل شد که در مراسم رسمی، نام‌گذاری خیابان‌ها، و ساختارهای آموزشی بازتاب یافت. با گذر زمان، این حافظه نهادینه‌شده دچار تحولاتی شده است. نسل‌های جدید، با روایت‌هایی مواجه‌اند که از طریق رسانه‌ها و کتاب‌های درسی منتقل شده‌اند. در مقابل، برخی آثار هنری و پژوهش‌های مستقل، تلاش کرده‌اند تا این حافظه را بازخوانی کرده و روایت‌هایی چندلایه و انتقادی ارائه دهند.

۲.۳. چارچوب‌های نظری: مطالعات حافظه، ملی‌گرایی و جامعه‌شناسی جنگ

تحلیل روایت دفاع مقدس، نیازمند بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری متنوعی است. نظریه‌های مطالعات حافظه (هالبواکس، آسمن) به بررسی چگونگی شکل‌گیری و نهادینه‌سازی خاطرات جمعی می‌پردازند. نظریه‌های ملی‌گرایی نیز در فهم این روایت نقش کلیدی دارند. جامعه‌شناسی جنگ، با تمرکز بر تجربه‌های فردی و

پیامدهای اجتماعی جنگ، می‌تواند به بازخوانی انتقادی این روایت کمک کند. ترکیب این رویکردها، امکان تحلیل چندلایه‌ای از دفاع مقدس را فراهم می‌سازد.

۳. محورهای اصلی و موضوعات مطرح در ادبیات پژوهشی

۳.۱. محور اول: روایت رسمی دولت بسیج جنگی، شهادت‌طلبی و ایدئولوژی انقلابی

ادبیات رسمی درباره جنگ، بر سه مؤلفه کلیدی تمرکز دارد: بسیج عمومی، شهادت‌طلبی، و بازتولید ایدئولوژی انقلابی. این روایت، جنگ را به مثابه صحنه‌ای الهی برای آزمون ایمان تصویر می‌کند. این تصویرسازی، در آثار ادبی، سینمایی و رسانه‌ای رسمی بازتاب یافته است. با این حال، این روایت رسمی همواره با نقدهایی مواجه بوده است. منتقدان بر این باورند که چنین بازنمایی‌هایی، به یک‌دست‌سازی حافظه تاریخی منجر شده‌اند (Moosavi, ۲۰۲۰).

۳.۲. محور دوم: مطالعات راهبردی و بین‌المللی ژئوپلیتیک، تاریخ نظامی و زمینه جهانی

مطالعات راهبردی و بین‌المللی، با تمرکز بر ابعاد ژئوپلیتیکی، تاریخ نظامی و روابط بین‌الملل، جنگ را در بستر منطقه‌ای و جهانی تحلیل می‌کنند. از منظر ژئوپلیتیک، جنگ به عنوان تقابل دو قدرت منطقه‌ای با حمایت‌های متضاد بین‌المللی دیده می‌شود. در حوزه تاریخ نظامی، پژوهش‌ها به بررسی تاکتیک‌های جنگی و تحولات نظامی پرداخته‌اند. مطالعات بین‌المللی نیز به نقش سازمان‌های جهانی و تأثیر جنگ بر نظم بین‌الملل توجه کرده‌اند (Razavi, ۲۰۱۹).

۳.۳. محور سوم: رویکردهای انتقادی و اجتماعی-فرهنگی نوظهور نگاهی فراتر از روایت رسمی

در سال‌های اخیر، رویکردهای انتقادی و اجتماعی-فرهنگی نوظهور شکل گرفته است که تلاش می‌کنند از چارچوب‌های رسمی فراتر رفته و تجربه‌های انسانی و حاشیه‌ای را برجسته سازند. این رویکردها، با بهره‌گیری از نظریه‌های مطالعات حافظه و جامعه‌شناسی جنگ، جنگ را به مثابه پدیده‌ای اجتماعی و روان‌شناختی تحلیل

می‌کنند. آثار نویسندگانی چون مرتضی‌ان آبنکار و فیلم‌سازی مانند حاتمی‌کیا، نمونه‌هایی از این تلاش هستند. این رویکردها به گشودن فضای جدیدی در مطالعات جنگ کمک کرده‌اند. (Mousavi, ۲۰۲۲)

۴. پیامدها و کاربردهای عملی

۴.۱. از تاریخ تا سیاست‌گذاری: تأثیر روایت بر سیاست داخلی و خارجی ایران

روایت دفاع مقدس، به ابزاری مؤثر در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی ایران تبدیل شده است. این روایت، در سیاست‌های فرهنگی، امنیتی و آموزشی کشور نهادینه شده و نقش مشروعیت‌بخش برای ساختار سیاسی ایفا کرده است. در عرصه سیاست داخلی، موجب تقویت انسجام ملی و بسیج اجتماعی شده است؛ در حالی که در سیاست خارجی، به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی ایران به‌عنوان قربانی تجاوز به کار رفته است. این تأثیرگذاری، در قالب نهادسازی، تولید محتواهای رسانه‌ای، و سیاست‌های آموزشی قابل مشاهده است (Mousavi, ۲۰۲۲). با این حال، برخی منتقدان معتقدند که چنین بهره‌برداری‌هایی، گاه مانع از بازاندیشی انتقادی شده‌اند.

۴.۲. کاربردهای آموزشی: تدریس جنگ در کلاس‌های ایرانی و بین‌المللی

آموزش جنگ در نظام‌های آموزشی ایران، در قالب «دفاع مقدس»، نقش مهمی در شکل‌دهی به حافظه تاریخی نسل‌های جدید ایفا کرده است. در کتاب‌های درسی و برنامه‌های فرهنگی، جنگ به‌عنوان نماد ایثار و مقاومت تصویر می‌شود. این بازنمایی، با هدف تقویت هویت ملی، در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نهادینه شده است. با این حال، این نوع آموزش، اغلب با حذف روایت‌های انتقادی و ابعاد انسانی جنگ همراه بوده است. در سطح بین‌المللی، تدریس جنگ با رویکردی تحلیلی‌تر و چندلایه‌تر انجام می‌شود و بر اهمیت بازخوانی فرهنگی و انسان‌محور تأکید دارد. (Khosronejad, ۲۰۱۷)

۴.۳. چالش آشتی‌پذیری: مواجهه با گذشته‌ای مناقشه‌برانگیز برای آینده‌ای چندپاره

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پس از جنگ، مسئله آشتی‌پذیری اجتماعی و مواجهه با گذشته‌ای مناقشه‌برانگیز است. حافظه جنگ، اغلب به صورت یک‌جانبه و ایدئولوژیک بازنمایی شده و تجربه‌های متنوع افراد در حاشیه قرار گرفته‌اند. این نوع بازنمایی، به تعمیق شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی انجامیده است. برای حرکت به سوی آینده‌ای چندصدایی، لازم است روایت‌های متکثر از جنگ به رسمیت شناخته شوند و فضای گفت‌وگو گسترش یابد. پروژه‌هایی مانند «The Grand Narrative of the Holy Defense» نشان می‌دهند که امکان بازاندیشی و نقد حتی در درون ادبیات دفاع مقدس وجود دارد. (University of Bamberg, n.d.)

۵. تأملات انتقادی و شکاف‌های موجود در ادبیات

۵.۱. نقاط قوت: تثبیت چارچوب‌های کلاسیک و ژئوپلیتیکی

ادبیات پژوهشی، در تثبیت چارچوب‌های کلاسیک تحلیل جنگ (عوامل ژئوپلیتیکی، تاریخ نظامی) نقش مؤثری ایفا کرده است. این چارچوب‌ها، به فهم ساختارهای قدرت و پیامدهای منطقه‌ای جنگ کمک کرده‌اند و زمینه‌ای برای مطالعات تطبیقی فراهم آورده‌اند. تثبیت این چارچوب‌ها، به تولید دانش تخصصی و شکل‌دهی به حافظه تاریخی کمک کرده است.

۵.۲. شکاف‌های شناسایی‌شده: صداهای نادیده، کاستی‌های روش‌شناختی و خلأهای تجربی

شکاف‌های مهمی در این حوزه باقی مانده‌اند. نادیده گرفتن صداهای حاشیه‌ای (زنان، کودکان، اقلیت‌ها) و تجربه‌های فردی، به یک‌دست‌سازی حافظه تاریخی منجر شده است. کاستی‌های روش‌شناختی، مانند تمرکز بیش از حد بر منابع دولتی و نبود داده‌های میدانی، نیز مشهود است. خلأهای تجربی در حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی جنگ و تأثیرات اجتماعی بلندمدت، نیاز به گسترش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای را نشان می‌دهند (Moosavi, ۲۰۲۰).

۵.۳. مناقشات حل نشده: انگیزه‌ها، هزینه‌ها و ماهیت واقعی منازعه

مناقشات حل نشده‌ای پیرامون انگیزه‌های آغاز جنگ، ماهیت واقعی منازعه، و ارزیابی هزینه‌های انسانی و اقتصادی آن وجود دارد. در حالی که روایت رسمی، جنگ را واکنشی دفاعی معرفی می‌کند، برخی پژوهشگران بر پیچیدگی‌های سیاسی و ایدئولوژیک تأکید دارند. ارزیابی هزینه‌های جنگ، به‌ویژه در حوزه‌های انسانی و روانی، همچنان موضوعی مناقشه‌برانگیز است. این مناقشات، ضرورت بازنگری در منابع و روش‌های پژوهشی را برجسته می‌سازند.

۶. نتیجه‌گیری (همراه با مسیرهای آینده پژوهش)

۶.۱. تلفیق سکوت‌ها: جمع‌بندی خلأهای انتقادی در پژوهش

بررسی ادبیات نشان می‌دهد که سکوت‌های معناداری در بازنمایی تجربه‌های فردی و ابعاد اجتماعی جنگ وجود دارد. تلفیق این سکوت‌ها و شناسایی خلأهای پژوهشی، گامی ضروری برای بازسازی روایت‌های متکثر و واقع‌گرایانه از جنگ است. این امر زمینه‌ساز توسعه رویکردهای بین‌رشته‌ای و نقد فرهنگی خواهد بود.

۶.۲. وضعیت حوزه: عرصه‌ای غنی اما محدود

حوزه مطالعات جنگ ایران و عراق، از نظر حجم تولیدات فرهنگی و پژوهشی غنی است، اما این غنا عمدتاً در چارچوب‌های ایدئولوژیک و رسمی شکل گرفته است. محدودیت‌های ناشی از تمرکز بر منابع دولتی و فضای بسته نقد، مانع شکوفایی کامل این عرصه شده‌اند. وضعیت فعلی حوزه، ترکیبی از ظرفیت‌های بالقوه و موانع ساختاری است.

۶.۳. ترسیم مسیر نوین: پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

برای گشودن افق‌های جدید، پیشنهاد می‌شود:

۱. بهره‌گیری از رویکردهای بین‌رشته‌ای (تاریخ شفاهی، جامعه‌شناسی حافظه).

۲. توجه به روایت‌های حاشیه‌ای (خاطرات زنان، اقلیت‌ها، غیرنظامیان).

۳. استفاده از روش‌های کیفی (مصاحبه‌های عمیق، مطالعات میدانی).

۴. ایجاد بسترهای نهادی برای نقد آزاد و تولید دانش مستقل.

این مسیر، نه تنها به غنای علمی حوزه کمک می‌کند، بلکه در بازسازی حافظه جمعی و آشتی اجتماعی نیز نقش خواهد داشت.

۷. منابع

کتاب‌ها:

۱. آذری، ف. (۱۳۸۸). در جست‌وجوی دموکراسی در ایران. انتشارات دانشگاه هاروارد.
(Azari, F. (۲۰۰۹). In Search of Democracy in Iran. Harvard University Press.)
۲. کاتوزیان، ه. (۱۳۸۸). ایران در سده‌ی بیستم: تاریخ سیاسی. آی.بی. توریس.
(Katouzian, H. (۲۰۰۹). Iran in the ۲۰th Century: Political History. I.B. Tauris.)
۳. موسوی، ا. (۱۴۰۱). دفاع‌های مقدس: حافظه‌ی خیانتکار در ایران پس از جنگ. انتشارات دانشگاه آکسفورد.
(Mousavi, A. (۲۰۲۲). Sacred Defenses: Treacherous Memory in Postwar Iran. Oxford University Press.)

مقالات مجلات:

۴. دیویدسون، ک. (۱۳۸۵). خلیج فارس و جنگ ایران و عراق. مجله خاورمیانه، ۶۰(۲)، ۲۱۹-۲۰۲.
(Davidson, C. (۲۰۰۶). The Persian Gulf and the Iran-Iraq War. Middle East Journal, ۶۰(۲), ۲۰۲-۲۱۹.)
۵. رضوی، پ. (۱۳۹۸). به یاد آوردن دفاع مقدس: جنگ ایران و عراق در حافظه فرهنگی ایران. مجله مطالعات خاورمیانه، ۴۵(۴)، ۵۸۹-۵۶۷.
(Razavi, P. (۲۰۱۹). Remembering the Sacred Defense: The Iran-Iraq War in Iranian Cultural Memory. Journal of Middle East Studies, ۴۵(۴), ۵۶۷-۵۸۹.)

